نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
سال سوم، شماره اول، بهار ۹۸، صفحات ۷ تا ۱۵

مبانی، اصول و اهداف سند مرجعیت حوزه سلامت

نویسنده:
سیدمحمدکاظم رجایی رامشه[۱]

چکیده

زمینه و هدف: مبانی حوزه سلامت، هسته اصلی، بنیان ارزشی و سرچشمه اصلی اصول، اهداف، معیارها، شاخص‌ها و راهبردهای سند مرجعیت هستند. مبانی اسلامی این حوزه، گزاره‌های خبری زیربنایی مورد قبول اسلام هستند که در بررسی مسائل حوزه سلامت مورد استفاده قرار می‌گیرند. مرجعیت در بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، یعنی قرارگرفتن در موضع الهام‌بخشی در جهان و اقتدار علمی؛ به‌گونه‌ای که نهاد سلامت در کشور، نیازمندی‌های جامعه در این حوزه را تأمین و سایر کشورها از سرریز دانش و خدمات داخل به خارج بهره‌مند شوند. افزون بر نشر فرهنگ ایرانی ـ اسلامی و ارتقای سطح عزت و اقتدار کشور، جامعه از منافع اقتصادی آن نیز برخوردار شود.

روش کار: روش کشف مبانی، اصول و اهداف، روش اجتهادی و با استفاده از منابع عقل، نقل و در پاره‌ای از موارد تجربه است.

یافته‌ها: دو ساحتی بودن انسان و اصالت روح؛ فراگیری ابزارهای شناخت؛ منبع فیض بودن خداوند متعال؛ آرامش و سلامت جامع در پرتو عمل به دین؛ جامعیت دین؛ تربیت‌پذیری و شکوفاسازی فطرت انسانی؛ همسازی گزاره‌های یقینی علم با گزاره‌های یقینی دین؛ اثربخشی عوامل معنوی؛ مبانی سند مرجعیت حوزه سلامت را تشکیل می‌دهند. اصولی مانند: محوربخشی توحید و نهادینه‌سازی ارزش های اخلاقی؛ جامعیت سلامت (دربرگیرنده ابعاد جسمانی، روحی ـ روانی، اجتماعی و معنوی)؛ ضروری بودن کالاها و خدمات حوزه سلامت؛ توزیع برابر فرصت‌ها و عدالت؛ کارآیی و استفاده بهینه از امکانات و عدم اسراف را می‌توان از مبانی استخراج کرد.

نتیجه‌گیری: موارد زیر را می‌توان از جمله اهداف مرجعیت حوزه بهداشت با توجه به مبانی و اصول فوق معرفی کرد: «ارتقای مستمر شاخص‌های سلامت، قرار گرفتن سلامت جسم در مسیر سلامت روح» (حیات طیبه و قلب سلیم)؛ و سلامت روانی و اجتماعی «عدالت توزیعی و پوشش مجموعه مناطق جغرافیایی کشور نسبت به پیشگیری و تأمین نیازمندی‌های درمانی ضروری»؛ و «ارتقای شاخص‌های سلامت از جمله امید به زندگی همراه با کرامت انسانی»؛ و در نهایت «تبدیل ایران به قطب پزشکی منطقه آسیای جنوب غربی و جهان اسلام».

کلیدواژه‌ها: اهداف، بنیادها، شاخص‌های سلامتی، معرف‌ها

مقدمه

مبانی، هسته اصلی و بنیان ارزشی سیاست‌های کلی در حوزه‌های مختلف زندگی از جمله بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. مبانی اسلامی، گزاره‌های خبری زیربناییِ مورد قبول اسلام هستند که در علوم دیگر اثبات می‌شوند و در بررسی مسائل یک علم مورد استفاده قرار می‌گیرند.

مرجعیت در بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، یعنی قرارگرفتن در موضع الهام بخشی در جهان، یعنی اقتدار علمی، عزت، سیادت و آقایی؛ به‌گونه‌ای که بتوانیم اولویت‌های خود را شناسایی و حداقل در تولید و ارائه آن دسته از کالاها و خدمات بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که اولویت کشور است و در آنها مزیت دارد، سرآمد جوامع شویم. بتوانیم در اولویت‌های از پیش تعیین شده سلامت در نقشه جامع علمی کشور، در دانش و ارائه خدمات، در رأس قرار گیریم.

در مرجعیت، تکیه بر تأمین نیازهای درون جامعه است. به‌گونه‌ای که پیامد آن؛ جامعه‌ای سالم، با امید به زندگی و شاخص‌های سلامت بالا و سرآمد ملت‌ها باشد. به عبارت دیگر، در مرجعیت؛ هدف، تأمین نیازمندی‌های جامعه در حوزه سلامت است، ولی زیرساخت‌ها و نهادها در داخل کشور چنان شکل می‌گیرد و در انجام وظایف آنچنان موفق عمل می‌کند که سایر کشورها با مشاهده نتایج و پیامدها، به استفاده از توان علمی و تجربه کشور تمایل پیدا کرده، از نظریه‌های علمی، دانش فنی و سرریز خدمات داخل به خارج بهره‌مند می‌شوند و افزون بر نشر فرهنگ ایرانی ـ اسلامی و ارتقای سطح عزت و اقتدار کشور، جامعه از منافع اقتصادی آن نیز برخوردار می‌شود.

---

۱. دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

در کشوری در بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌تواند مرجع باشد که نیازمندی‌های داخل کشور را به میزان قابل قبول تأمین کرده باشد و حداقل در اولویت‌های تعیین شده در این بخش در زیرساخت‌های آموزشی و تحقیقات و فناوری، ابداعات و نوآوری و فضاهای ارائه خدمات بهداشت و درمان، به خودکفایی لازم دست پیدا کرده باشد و در پوشش نظریه‌پردازی، نوآوری و ارائه خدمات در رتبه کشورهای برتر جهان قرار گرفته باشد.

اسناد بالادستی، مانند سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی سلامت، مرجعیت آموزش و خدمات پزشکی را هدف قرار داده‌اند. در سند چشم‌انداز ج.ا.ا. به «پیشتازی در مرزهای دانش» و «مرجعیت علمی در جهان» تصریح شده است. همچنین، «دستیابی به جایگاه اول علم و فناوری در جهان اسلام و احراز جایگاه برجسته علمی و الهام‌بخشی در جهان» و «استقرار جامعه دانش بنیان، عدالت محور و برخوردار از انسان‌های شایسته، فرهیخته و نخبه برای احراز مرجعیت علمی در جهان» از مطالبات در نقشه جامع علمی کشور است.

در «سیاست‌های کلی سلامت»، ابلاغی مقام معظم رهبری آمده است: «ارتقای شاخص‌های سلامت برای دستیابی به جایگاه اول در منطقه آسیای جنوب غربی» و «تأمین امنیت غذایی و بهره‌مندی عادلانه آحاد مردم از سبد غذایی سالم، مطلوب و کافی، آب و هوای پاک، امکانات ورزشی همگانی و فرآورده‌های بهداشتی ایمن همراه با رعایت استانداردهای ملی و معیارهای منطقه‌ای و جهانی». در بند ۱۴ آن، یعنی آخرین سیاست نیز «تحول راهبردی پژوهش علوم پزشکی با رویکرد نظام نوآوری و برنامه‌ریزی برای دستیابی به مرجعیت علمی در علوم، فنون و ارائه خدمات پزشکی و تبدیل ایران به قطب پزشکی منطقه آسیای جنوب غربی و جهان اسلام»، مطالبه شده است.

طبیعی است که روش کشف مبانی اسلامی به روش‌شناسی آن دانشی که مبانی از آن اقتباس می‌شود بستگی دارد. سند مرجعیت دانش پزشکی و خدمات درمانی بر مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، الهیاتی، ارزش‌شناختی و انسان‌شناختی زیر که با روش اجتهادی و با ابزار عقل، نقل و در مواردی تجربه در جای خود استنباط شده استوار است. به عبارت دیگر، اصول، اهداف، معیارها، شاخص‌ها و راهبردهای موجود در سند مزبور بایستی از این مبانی سرچشمه بگیرند.

مبانی

مبانی به معنای «پایه و اساس» است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۲۵۲/۱). پایه‌هایی که پذیرش و باور آن‌ها به عنوان «پیش‌فرض‌های بنیادین» مسلم انگاشته شده و بدون پذیرش همه یا برخی از آن‌ها، قواعد متفاوت می‌شود. (ر.ک: مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ۴۰). شناخت و تبیین مبانی در سند مرجعیت بهداشت درمان و آموزش پزشکی از این جهت دارای اهمیت است که سرچشمه اصول، اهداف و راهبردها می‌شود. طبیعی است که در صورت ابتناء مبانی بر منبع وحی، اهداف و راهبردها و سرانجام، برنامه نیز می‌توانند از درجه اتقان لازم برخوردار باشند و همچون اصول و مبانی شک و ظن در آن راه پیدا نکرده و برپایه یقین استوار شوند.

برقراری و استواری نظام سلامت مانند سایر نظام‌های اجتماعی، نیازمند مبانی معرفت‌شناسی، اصول فهم هستی، پایه‌های اعتقادی، منطق معرفت دینی، مبانی انسان‌شناسی، بنیان‌های شناخت ارزش، و پایه‌های نظام اصیل اجتماعی است. نخستین گام در مبانی، توان انسان بر شناسایی واقعیت‌ها، ابزار و ارزیابی معرفت‌هاست. شناخت گستره هستی، فهم مبانی اعتقادی، درک اصول منطقی فهم، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، و تبیین سازه‌های اجتماعی؛ گام‌های مهم دیگر حوزه مبانی هستند که در این مقاله تلاش شده به صورت جامع و به اقتضاء مقاله درهم تنیده و به اختصار با چینش و به صورت زیر ارائه شوند:

دو ساحتی بودن انسان و اصالت روح

اهمیت این مبنا در این است که به رشد و بهبودی هماهنگ ابعاد وجودی انسان و به جامعیت و کارآیی برنامه‌ریزی سلامت کمک می‌کند. در سند مرجعیت سلامت، لازم است توجه شود که محور سلامت، انسان است. انسان، دو ساحت جسمانی و روحانی، (سجده، آیات ۷-۹. مؤمنون آیه ۱۴) یا مادی و ملکوتی (ر.ک. محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن، صص۳۵۸-۳۵۶، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی،۱۳۸۰) دارد. براساس آموزه‌های وحیانی انسان برای بقا و نه برای فنا به این دنیا گام نهاده است (ر.ک. نهج‌البلاغه، فیض‌الاسلام، خطبه ۱۹۴، ص۶۵۳)[1] هنگامی این بقا با سعادت همراه خواهد بود که انسان از راه معرفت، محبت و عبادت حق از صفات بشری فانی به صفات الهی آراسته شده باشد.

ساحت بدن مرتبه نازله نفس است و ساحت روحانی، اصالت و هویت واقعی انسان را شکل می‌دهد و حیات واقعی و تدبیر کالبد تن را برعهده دارد. (ر. ک.: شیعه در اسلام، محمدحسین طباطبایی، ص۱۳۵. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج۲، ص۵۰۸). امتیاز انسان در قیاس با دیگر آفریدگان، مرهون ویژگی‌های روحانی او است که ارزش‌های معنوی و الهی از آن بر می‌خیزد. همچنان که جسم متصف به سلامت یا بیماری می‌شود، روح نیز به سالم یا بیمار متصف می‌شود (احزاب، آیه ۱۲. مدثر، آیه ۳۱). این دو در وصف سلامت و بیماری از یکدیگر اثرپذیرند[2]. ممکن است ریشه

---

۱. امام علی (ع): «ایها الناس انّا و ایّاکم خلقنا للبقاء لا للفناء لکنّکم من دارٍ الی دار تنقلون»، ای انسان‌ها ما و شما برای بقاء آفریده شده‌ایم نه برای فناء و به هنگام مرگ از سرایی به سرای دیگر منتقل می‌شویم.

۲. قال رسول‌الله (ص) من اکل الحلال اربعین یوما نورالله قلبه و اجری ینابیع الحکمه من قلبه علی لسانه. (محجه البیضاء، ج ۳ ص ۲۰۴- ۲۰۶) کسی که چهل روز از مال حلال و خالص بخورد خداوند دلش را نورانی کرده و چشمه‌های حکمت از درونش بر زبانش جاری گرداند. در روایت دیگر است که سعد از رسول خدا خواست که از خداوند بخواهید مرا مستجاب‌الدعوه کند، حضرت فرمود: غذایت را حلال کن دعایت مستجاب می‌شود. (محجه البیضاء ، ج ۳ ص ۲۰۴- ۲۰۶).

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

برخی ناراحتی‌های جسمانی ناخوشی‌های روحی باشد. حکیم لازم است جایگاه سلامت جسم را در بسته سعادت و کمال انسانی جستجو کند. بنابراین، سلامت روح بر بهبودی جسم اثر می‌گذارد. همچنان‌که برای تعالی روح، توجه به قابلیت‌های جسمانی لازم است. حکما گفته‌اند: «عقل سالم در جسم سالم است»[1]

خداوند متعال که انسان را آفریده و از سر لطف قابلیت‌های جسمانی و معنوی را در او به ودیعه نهاده است، مراقبت از سلامت و فراهم کردن زمینه‌های رشد و تکامل هردو را نیز با هدایت تکوینی[2] و تشریعی[3] جزء وظایف انسان قرار داده و «حفظ جان و سلامت جسم را از حقوق انسان بر خود»[4] بر شمرده است. مراقبت‌های جسمانی و معنوی، مسیر تحقق حیات طیبه[5] آمال و آرزوی زندگی دنیا و زندگی آمیخته با آرامش و آسایش مادی و معنوی را هموار و انسان را به «قلب سلیم»[6] ـ آمال و آرزوی انسان در مسیر قرب ربوبی ـ می‌رساند.

فراگیری ابزارهای شناخت

زندگی انسان، آمیخته با آگاهی و شناخت از واقعیت‌ها است. طبق بیان قرآن کریم، آدمی ابتدا هیچگونه علم و معرفتی(حصولی) ندارد؛ اما ابزار و ادواتی در اختیار او نهاده شده تا با آن به کسب معرفت بپردازد[7]. در همه حوزه‌ها از جمله حوزه سلامت، همه شناخت‌های انسان درخور اعتماد نیستند؛ اما می‌توان با ابزارها و منابع راستین[8]، به شناخت درخور اعتماد دست یافت. گرچه حس و تجربه نزدیک‌ترین منبع برای کسب معرفت به وسیله حواس ظاهری است، ولی در طراحی نقشه جامع سلامت و به‌ویژه شناخت‌های متعالی مربوط به سلامت روح و روان و راهبردهای بلندمدت، نمی‌توان فقط به ابزار حس و تجربه اعتماد کرد، بلکه باید از عقل و وحی الهام گرفت، از خطا رهید و به راه درست رسید.

عقل استدلال‌گر و وحی الهی، عالی‌ترین منابع برای فراهم‌سازی نقشه جامع سلامت و دستیابی به معرفت‌های متعالی‌اند.

خداوند متعال منشأ فیض

موجودهای مادی، دارای حدوث زمانی‌اند و در اصل وجود و بقای خود، به واجب‌الوجود نیازمندند. جهان با همه نظام‌ها و سنّت‌ها و علت‌ها و معلول‌هایش، کار خدا و زاییده اراده اوست. موجودهای جهان، نه در ذات و نه در تاثیر و علیت، خودبسنده نیستند و هر فاعل و سببی، هم وجود خویش و هم فاعلیتش را از خداوند متعال دارد[9]. خداوند از انجام دادن کارهای ناروا و بیهوده پیراسته است[10]. کار و آفرینش او در نهایت انسجام، اتقان[11]، کمال، هدفمندی و هماهنگی با نظام احسن است و همه مصلحت‌های راستین را در بر دارد (ر. ک. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۲۴). هدف اصلی آفرینش انسان، قرب به خداوند و منظور از بعثت پیامبران، هدایت انسان به کمال، حیات طیبه در دنیا و سعادت در سرای آخرت است (نحل، ۹۷). زندگی پاکیزه در گرو سلامت جسم و کمال روح در پرتو تزکیه و تهذیب نفس است (شمس، ۱۲). بنابراین، سلامت جسم، در راستای دستیابی به تکامل روح و هدف متعالی تقرب به خداوند اهمیت

---

۱. العقل السلیم فی الجسم السلیم.

۲. قَالَ رَبُّنَا الَّذِی أَعْطَی کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَی (طه، ۵۰) (موسی): گفت پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده سپس آن را هدایت فرموده است.

۳. هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَکَفَی بِاللَّهِ شَهِیدًا (فتح، ۲۸) اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه‌بودن خدا کفایت می‌کند.

۴. علی (ع): و من‌الحق علیک حفظ نفسک، حفظ جان و سلامت از حقوقی است که برعهده داری. (نهج‌البلاغه نامه ۵۹).

۵. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَی وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیَاةً طَیِّبَةً وَلَنَجْزِیَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا کَانُواْ یَعْمَلُونَ (نحل، ۹۷)

۶. یَوْمَ لَا یَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ. الا مَنْ أَتَی اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِیمٍ (شعراء، ۸۹). روز قیامت تنها کسی که دل پاک به سوی پروردگار خود بیاورد نفع کرده است مال و فرزند فایده ای ندارد.

۷. وَاللّهُ أَخْرَجَکُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِکُمْ لاَ تَعْلَمُونَ شَیْئًا وَجَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَالابْصَارَ وَالافْئِدَةَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ (نحل، ۷۸). و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی‌دانستید بیرون آورد و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد باشد که سپاسگزاری کنید.

۸. مقصود از ابزارهای معرفت، قوای ادراکی است که در یک تقسیم کلی عبارتند از: حس، خیال، وهم، عقل و قلب؛ البته باید توجه داشت که مُدرِک واقعی در همه مراحل با وجود تعدد ابزارهای معرفت، خود نفس است؛ زیرا نفس در تمام مراتب، حضور وجودی داشته و در هر مرتبه بدون آن که امتزاج و انحصاری با آن مرتبه داشته باشد، عین آن مرتبه است. (معرفت شناسی در قرآن، ص ۲۹۷.) کار قلب در نظر فلاسفه ادراک حقایق عقلی به طریق شهود و الهام است نه به طریق قیاس و استدلال. کار قلب مشاهده حقایق کلی سعی به صورت اشخاص خارجی است. این مشاهده از طریق صیقل دادن قلب و صاف کردن آن حاصل می‌گردد؛ قلب علاوه بر صیقل و پاکی از غبار و زنگ‌هایی که مناسب به آن است همانند آینه نیاز دارد تا سمت و جهت خود را نیز تصحیح کند. (معرفت‌شناسی درقرآن، ص ۲۶۷.) الهام و وحی دو راه القاء حقایق به قلب انسان هستند.

۹. نظریه وجود رابط معلول (هیچ گونه حیثیت استقلالی در معلول نبوده، و معلول سراپا احتیاج به علت و عین وابستگی به علت هستی‌بخش خود است)، از مهم‌ترین مسائل حکمت صدرایی است. به اعتقاد برخی از فیلسوفان صدرایی معاصر، این مسأله، عالی‌ترین ثمره فکری بشر و دست‌آورد عظیم و گران‌سنگ تاریخ چند هزار ساله فلسفه، و از والاترین و نفیس‌ترین ثمرات فلسفه اسلامی به‌شمار می‌آید. این حقیقت، آن چنان گران‌قدر و ارزش‌مند است که اگر سیر مباحث و تطورات حکمی و فلسفی، تنها همین محصول را به بار می‌نشاند، ارزش آن را داشت که انسان، با ده‌ها سال تلاش علمی و تمرین عقلی، موفق به درک همین محصول ارزش‌مند و متعالی گردد. (محمدتقی مصباح یزدی، به سوی خودسازی، ص۱۲۰-۱۲۱)

۱۰. ... رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلاً سُبْحَانَکَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران، ۱۹۱) پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده‌ای منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار. أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاکُمْ عَبَثًا وَأَنَّکُمْ إِلَیْنَا لَا تُرْجَعُونَ. فَتَعَالَی اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ لَا إِلَـهَ الا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَرِیمِ (مؤمنون، ۱۱۵و ۱۱۶) آیا گمان می‌کنید که شما را بیهوده (و بدون هدف و غرض) آفریده‌ایم و شما به سوی ما باز نمی‌گردید. پس والاستخدا فرمانروای برحق، خدایی جز او نیست [اوست] پروردگار عرش کریم.

۱۱. ... صُنْعَ اللَّهِ الَّذِی أَتْقَنَ کُلَّ شَیْءٍ إِنَّهُ خَبِیرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ (نمل، ۸۸). صنع خدایی است که هر چیزی را در کمال اتقان و استواری پدید آورده است در حقیقت او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

ویژه دارد. به همین دلیل، گاهی بیماری جسم «دل را زنگارزدایی می‌کند»[1] و «مایه پاکی و رحمت برای مؤمن»[2] و «موهبت الهی» تعریف می‌شود.

مالک حقیقی همه هستی خداوند متعال است (بقره، ۲۸۴. آل‌عمران، ۱۰۹. یونس، ۵۵. لقمان، ۲۶)؛ به این معنی که همه چیز تحت مشیت و اراده الهی است. انسان مخلوق خدا و خلیفه و جانشین او در زمین (بقره، ۳۰) است. امکانات زمین برای جامعه به مثابه کل خلق شده، (الرحمن، ۱۰) خداوند در سراسر نظام هستی حضور و بر آن نظارت دارد و مراقب اعمال فردی و اجتماعی انسان‌هاست (یونس، ۶۱). نظام سلامت بر مدار این باور توحیدی سامان می‌یابد. در این نظام، همه انسان‌ها در بهره‌مندی از نظام سلامت برابر و دولت و آحاد جامعه نسبت به سلامت آن‌ها مسئولند. همچنان که اموال و امکانات امانت الهی نزد انسانهاست و باید در مراقبت از آن بکوشند.

در نظام سلامت توحیدی، بیماری خارج از اراده و مشیت الهی نیست و شفا جز از مجرای فیض او محقق نمی‌شود (شعراء، ۸۰). از این رو، همگان در مسیر فیض و عنایت او قرار دارند. تکامل روح وقتی میسور است که جسم نیز شایستگی همراهی روح را داشته باشد. اگر نیروهای جسمانی انسان قابلیت حمل فیوضات معنوی را نداشته باشد، تعالی معنوی به وقوع نخواهد پیوست.

آرامش و سلامت در پرتو عمل به دین

دین الهی، مجموعه‌ای از گزاره‌های توصیفی، اعتقادی و ارزشی و نیز دستورهایی هماهنگ با سرشت آدمی است که پیامبران از جانب خداوند برای هدایت انسان‌ها آورده‌اند. باور این اعتقادها و رعایت آن دستورها؛ آرامش خاطر، اطمینان، سلامت جسم، سلامت روان، سلامت روح؛ حیات طیبه و قلب سلیم را به‌دنبال خواهد داشت. فقط خداوند که انسان و جهان را آفریده و به سراسر روح و جسم او بیناست، بهترین نقشه دستیابی وی به سلامت و سعادت جان و تن و نسخه شفا و کمال او را می‌شناسد. خدا این نسخه شفا و کمال را در قالب دین به انسان ارمغان فرموده است. بنابراین، سلامت که مشتمل بر اطمینان روح، آسایش جسم، آرامش روان و قلب مطمئن است، تنها در قالب و چارچوب نسخه تحریف نایافته دین تحقق می‌یابد. افزون بر جهت‌دهی جامع و هدایت آن به سمت سلامت روح، روان و جسم؛ در این نسخه، حفظ جان واجب، و تهیه مقدمات تحقق آن نیز لازم است.

انسان مؤمن، با پیروی از سبک زندگی اسلامی[3] و با اجتناب از خبائث و تغذیه طیب[4]، به کمال و تعالی روح، و جسم سالم می‌رسد. و سرانجام، در صورت بروز بیماری به حکیم مراجعه و شفا را از خداوند مطالبه می‌کند[5].

جامعیت دین

اسلام، همه اصول لازم برای سعادت انسان، و نیز همه احکام شرعی در عرصه‌های فردی، اجتماعی، محیطی و بین‌المللی؛ شامل احکام عبادی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و مدیریتی را در سه گستره احکام اولی، ثانوی، و حکومتی بیان کرده است. ارزش‌های اخلاقی اسلام نیز در قلمروهای اخلاق الهی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، اخلاق محیطی و اخلاق بین‌المللی سامان یافته است. از این رو، ارزش‌های اسلامی همه عرصه‌های حیات دنیا و آخرت و ساحت‌های وجود انسان و رابطه او با خدا، خود، خانواده، جامعه، محیط زیست و جهان را در بر می‌گیرند.

بنابراین، سلامت مورد نظر؛ مشتمل بر تمامی ابعاد سلامت فردی، اجتماعی، عبادی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و مدیریتی است و در لایه‌های ارتباط فرد با خود، با خدای خود، با خانواده، با اجتماع، با محیط زیست و با جامعه بین‌الملل برقرار است. همچنین سلامت در همه ابعاد و لایه‌ها؛ هم‌آهنگ و هم‌افزا هستند. این سلامتِ چند بعدی، بسته به درجه ایمانی بودن جامعه و پایداری انسان مؤمن و جامعه، پایدار است. حالتی از رشد یافتگی کامل و پایدار که در آن همه قابلیت‌ها، ارزش‌ها و استعداهای انسان به طور هماهنگ و موزون رشد کرده و به حد اعلا رسیده باشد انسان کامل را شکل می‌دهد.

در جامعه ایمانی هر نوع فساد یک بیماری و ناهنجاری تلقی شده و عامل اخلال در سلامت شمرده می‌شود. برمبنای جامعیت دین؛ مکانیسم‌های نهفته در دین، همه عوامل؛ وجدان فردی، مسئولیت خانوادگی و اجتماعی را در مقابل این عامل اخلال فعال ساخته تا به بیرون راندن و جبران پیامدهای آن بیانجامد. در این عرصه، پزشک حکیم است و با در نظر گرفتن ابعاد مختلف انسان و محیط پیرامونی، موضوع را ریشه‌یابی کرده، سپس تدابیری برای رفع بیماری اتخاذ، و سرانجام، ممکن است دارو نیز تجویز کند.

این جامعیت، چند بعدی بودن و گستره قلمرو، مزیت جامعه دینی ج.ا.ا. است و زمینه و زیرساخت را برای مرجعیت ما فراهم می‌سازد.

تربیت‌پذیری و شکوفاسازی فطرت انسانی

انسان آفریده‌ای است که با اندیشه، انگیزه، خلاقیت، اراده، و اختیار،

---

۱. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: بیماری، تن را از گناهان می‌پالاید، همچنان که کوره آهنگری، ناخالصی آهن را می‌زداید. (بحار الانوار ج۸۱، ص ۱۹۷).

۲. امام رضا علیه‌السلام: المرض للمؤمن تطهیر و رحمه. (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۹۳).

۳. الَّذِی خَلَقَنِی فَهُوَ یَهْدِینِ. (شعراء، ۷۸) پروردگار عالمیان کسی است که مرا آفریده و هدایت می‌کند. دین هدایت تشریعی الهی انسان به سمت کمال است. افزون بر جهت‌دهی کلان دین به سمت سلامت؛ کتاب‌های فقهی باب طهارت و نجاست، اطعمه و اشربه و صید و ذباحه مجموعه‌ای از قوانین و قواعد مهم زمینه ساز حوزه سلامت را ارائه می‌کند.

۴. وَالَّذِی هُوَ یُطْعِمُنِی وَیَسْقِینِ. (شعراء، ۷۹). پروردگار عالمیان کسی است که مرا تغذیه می‌کند و سیراب می‌سازد. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ ءامَنوا کُلُوا مِن طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاکُمْ وَاشْکُرُوا لِلّهِ إِن کُنتُمْ إِیَّاهُ تَعْبُدُونَ (بقره، ۱۷۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از نعمتهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و اگر تنها او را می‌پرستید خدا را شکر کنید.

۵. وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ. (شعراء، ۸۰) پروردگار عالمیان کسی است که هنگام بیماری شفایم می‌دهد.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

مسئول کردار خویش است و می‌تواند به گونه‌ای صحیح تعلیم و تربیت یافته که مسیرالهی را پیموده و عنصری سودمند و با ارزش در خدمت سعادت و سلامت اجتماع باشد. انسان در این مسیر کمال‌پذیر و کمال‌پذیری او پایان ناپذیر است. همچنین، ممکن است با تعلیم و تربیت نادرست، در مسیر گمراهی راه سپارد. تربیت و شکوفاسازی فطرت انسان، باید همه جانبه، هم‌سو، متعادل، و در راستای قرب به خداوند متعالی صورت پذیرد.

انسان، گاه دچار صفاتی مانند: کبر (سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۴۶۰)، عصبیّت (زخرف ۲۳؛ انعام ۲۵؛ اسراء ۴۵ و ۴۶؛ روم ۵۲ و ۵۳ و ۵۸ و ۵۹؛ فصّلت ۵)، غرور علمی (نظریهٔ المعرفهٔ، همان، ص ۹۲ و ۹۳)، هوی‌پرستی (جاثیه ۲۳؛ مائده ۷۰ و ۷۱ و محمد(ص) ۱۶)، جهالت و غفلت (روم ۵۹ و یس ۶ و ۹ و ۱۰)، نفاق (بقره ۹ و ۱۰؛ انفال ۴۹؛ احزاب ۱۲)، لجاجت (انعام ۲۵؛ فصلت ۵)، تقلید کورکورانه (شعراء ۱۳۶ و ۱۳۸؛ مائده ۱۰۴؛ اعراف ۲۸؛ لقمان ۲۱ و زخرف ۲۳)، زنگار دل (شعراء ۱۳۶ و ۱۳۸؛ مائده ۱۰۴؛ اعراف ۲۸؛ لقمان ۲۱ و زخرف ۲۳)، و دنیادوستی (همان، ص۲۶۸) می‌شود که گرفتاری در آنها باعث بیماری دل و محرومیت از نیل به حقیقت می‌شود. در نتیجه، درب معرفت به رویش در یک یا چند زمینه بسته می‌ماند.

همسازی گزاره‌های یقینی علم با گزاره‌های یقینی دین

انسان می‌تواند همزمان عقلانی و همگام با پیشرفت دانش و فن‌آوری زندگی کند و به باورها و فریضه‌های دینی پایبند باشد. در نگرش توحیدی، عقلانیت و فن‌آوری، معطوف به تکامل و هدایت الهی است. بر همین اساس، «گزاره‌های علمی یقینی با گزاره‌های دینی یقینی همراهند و هرگز در تعارض نیستند». از این رو، در نظریه‌های به ظاهر علمی که با گزاره‌های علمی دین در تعارض‌اند باید تردید کرد و به بازخوانی دقیق آن‌ها پرداخت. فن‌آوری بدون همراهی با آموزه‌ها و ارزش‌های الهی، سلامت جسم و جان آدمی، محیط زیست و روابط اجتماعی او را به خطر انداخته و زندگی را به تباهی می‌کشاند.

اثربخشی عوامل معنوی

عوامل معنوی همچون ایمان، تقوا[۱]، شکر نعمت[۲]، توکل[۳]، استغفار[۴]، انفاق[۵] و دعا[۶]، در فراوانی نعمت، افزایش بازدهی و سلامت روح، روان و جسم انسان، نقشی به‌سزا دارند. جامعه‌ای که ایمان آورد، تقوای الهی پیشه کرده و در رفتارهایش وجود خداوند متعالی را احساس کند، به خداوند توکل کند و به پیشگاه بی‌نیاز او رو کند، هیچگاه نومیدی به خود راه نمی‌دهد، در برابر ناملایمات و بحران‌ها شکیبایی می‌ورزد و سرشار از اطمینان، آرامش و سلامت است[۷].

مطالعات تجربی نیز همبستگی معناداری میان ایمان و تقوی و سلامت جسم و روان افراد جامعه را نشان می‌دهد (ر. ک. مجتبی مصباح، سلامت معنوی از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات حقوقی، ۱۳۹۲، ص ۶۵ و ۶۶).

بر این اساس، همه برنامه‌های جامع سلامت، باید افزون بر پیمودن مرزهای دانش و مجهز شدن به دانش فنی با اتکا به نیروهای داخلی به ابعاد فرهنگی و معنوی انسان نیز توجه ویژه داشته باشد. شکر نعمتِ وجود عوامل معنوی در ج.ا.ا، بهره‌مندی از این مزیت و ارتقای آن در راستای رسیدن به مرجعیت در حوزه سلامت است.

اصول و معیارهای حاکم بر سند، مبتنی بر مبانی

اصل، گرچه به معنای ریشه و بن و طبق قاعده در اینجا بایستی شالوده و منطبق با مبانی باشد، ولی وقتی به مبنا عطف می‌شود نسبت به مبنا مرتبه‌ای نزدیک‌تر به موارد ظهور و بروز مفهوم در خارج است. اگر با قدری تسامح آن را به معیار نزدیک یا مرادف معیار بدانیم اینجا اصل، همان محک یا معیار سنجش خواهد بود، که مرحله‌ای پیش از شاخص است. بر پایه مبانی فوق می‌توان اصول زیر را برای کشف اهداف و رسیدن به راهبردهای مبتنی بر مبانی استخراج کرد:

---

۱. وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ(اعراف، ۹۶)؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان آورده و پرهیزکاری کرده بودند، هر آینه برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی]آیات ما را[تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

۲. وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذابِي لَشَدِيدٌ(ابراهیم، ۷)؛ [وهم چنین به خاطر بیاورید] هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: اگر شکرگذاری کنید، [نعمت خود را] بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است.

۳. ... وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً. وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ... وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْراً(طلاق، ۴-۲)؛ ... و هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجات و خروج از سختی را برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان نمی‌برد روزی می‌دهد و هرکس بر خدا توکّل کند، کفایت امرش را می‌کند. ... و هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کارهایش را برای او آسان می‌سازد.

۴. فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كانَ غَفَّاراً. يُرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْكُمْ مِدْراراً. وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهاراً(نوح، ۱۲-۱۰)؛ به آن‌ها گفتیم: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است تا باران‌های پربرکت آسمان را پی‌درپی بر شما فرستد و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد.

۵. مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَ اللَّهُ يُضاعِفُ لِمَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِيمٌ(بقره، ۲۶۱)؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هرکس که بخواهد [و شایستگی داشته باشد] دو یا چند برابر می‌کند؛ و خدا [از نظر قدرت و رحمت] وسیع، و [به همه چیز] دانا است.

۶. وَقالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ (غافر، ۶۰)

۷. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ (نحل، ۹۷) هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعا او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلما به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

اصل محوربخشی توحید و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی

اگر در مبانی پذیرفتیم که «خداوند منشأ فیض» است، بیماری خارج از اراده و مشیت الهی نیست و شفا جز از مجرای فیض او محقق نمی‌شود به اصل محور بخشی توحید رسیده‌ایم. از سوی دیگر، با پذیرش این‌که تکامل روح وقتی ممکن است که جسم نیز شایستگی همراهی روح و قابلیت حمل فیوضات معنوی را داشته باشد، تا تعالی معنوی تحقق یابد؛ نهادینه سازی ارزشهای اخلاقی به محور بخشی توحید ضمیمه و بر این اساس به اصل: «محوربخشی توحید و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی» به عنوان یک اصل در سند مرجعیت خواهیم رسید. بر پایه اصل فوق؛ باور خداوند متعال و احساس وجود خداوند در رفتار و کردار منشأ کارآمدی نیروی انسانی و در نتیجه رشد و پیشرفت علمی و اقتصادی (نحل، ۹۶) و حرکت به سمت مرجعیت را به دنبال دارد.

برپایه اصل فوق می‌توان تربیت توحیدی را به عنوان نمونه‌ای از راهبرد رسیدن به مرجعیت، معرفی کرد[1]. تربیت توحیدی به مفهوم توجه به خداوند در همه حالات و ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است. در تربیت توحیدی، انسان عالَم را عین ربط و نیاز و خداوند را علت‌العلل، سرآغاز همه خیرات، آگاه و تدبیرکننده همه امور می‌داند. در نتیجه چشم به عنایت او دوخته و بر او توکل می‌کند. لازم است جهت‌گیری برنامه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به سمت توحید و پرورش نیروهای خلاق با انگیزه الهی باشد.

به منظور تحول بنیادین در بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تعمیق مبانی اعتقادی، ارزش‌های اسلامی و اخلاق حرفه‌ای و با هدف ارتقای کیفی در حوزه دانش و تربیت اسلامی، و حرکت به سمت مرجعیت علمی، برای نمونه، اقداماتی از قبیل اقدام زیر انجام پذیرد:

بازنگری متون، محتوا و برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاهی مبتنی بر آموزه‌ها و ارزش‌های دینی و هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی و تقویت دوره‌های تحصیلات تکمیلی با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای دانش بشری، با اولویت نیاز کشور و مزیت‌های نسبی.

اصل جامعیت سلامت (سلامت روح، روان و جسم)

پذیرش ساحت روحانی و ملکوتی در کنار جسم، به ویژه اصالت را به روح دادن و پذیرش سلامت و بیماری روح و پیوند مستحکم میان بیماری و سلامت این دو ساحت؛ ما را به «اصل جامعیت سلامت (سلامت روح، روان و جسم)»؛ و هم‌آهنگی و هم‌افزایی لایه‌های مختلف سلامت چند بعدی می‌رساند. اصل فوق و مبنای معرفت شناختی تعمیم ابزار شناخت به عقل و وحی مزیت جمهوری اسلامی ایران است. که می‌تواند با بهره‌مندی از مزیت منحصر به فرد خود در جامعیت سلامت، سریع‌تر در جایگاه مرجعت استقرار یابد.

اصل کمال‌پذیری انسان و پایان‌ناپذیری کمال

از سوی دیگر، اگر در مبانی بپذیریم هدف اصلی آفرینش انسان، قرب به ذات لایتناهی خداوند و منظور از بعثت پیامبران، هدایت انسان به کمال است؛ از ابدیت روح و کمال‌پذیری بی‌پایان او؛ «اصل کمال‌پذیری انسان و پایان‌ناپذیری کمال» استنباط می‌شود. این اصل منشأ همت مضاعف، تلاش مضاعف و حرکت جهادی می‌شود و نیروی انسانی که اساسی‌ترین عامل در تولید دانش و ثروت است را در اوج بهره‌وری قرار می‌دهد. براساس این اصل، برای رسیدن به مرجعیت دانش و خدمات بهداشت درمان و آموزش پزشکی باید کمال‌گرایی در انگیزه‌های انسانی جای مطلوبیت‌گرایی به معنای لذت‌گرایی جرمی بنتامی و یوتیلیتاریستی در هدف‌گذاری‌های انسان قرار گیرد.

اصل ضروری بودن کالاها و خدمات مربوط به حوزه سلامت

تردیدی در ضروری یا بسیار ضروری بودن عمده کالاها و خدمات پزشکی و درمانی نیست؛ به‌گونه‌ای که کمبود این نوع کالاها و خدمات، اختلال در زندگی اجتماعی پدید می‌آورد. در فقه اسلامی، این نوع کالاها و خدمات را «واجبات نظامیه» می‌نامند و تولید آن را واجب کفایی می‌دانند. به همین دلیل، باید در میان جامعه کسانی به‌عنوان تکلیف شرعی الهی عهده‌دار تأمین این خدمات بشوند. در صورتی که افراد به حد کفایت وارد ارائه این نوع خدمات شدند این تکلیف از دیگران ساقط می‌شود.

فقها، گرچه عموم دستمزد گرفتن و کسب سود از طریق ارائه خدمات ضروری جامعه مانند خدمات پزشکی را بلامانع می‌دانند، ولی جایگاه خدمات پزشکی در زندگی مردم به قدری بالاست که بعضی از فقهاء فتوا داده‌اند که این نوع خدمات بایستی به‌طور رایگان به مردم ارائه شود و وظیفه دولت است که هزینه زندگی ارائه‌کنندگان آن را بر عهده بگیرد[2]. لازم است سیاست‌گذاران حوزه سلامت به کالاها و خدمات بسیار ضروری این حوزه، به عنوان «واجب نظامیه» بنگرند. مبانی، اصول و اهداف نظام سلامت، با وجود پذیرش سود منصفانه و لازم دانستن تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری در این حوزه؛ انگیزه حداکثرسازی سود در ارائه خدمات در این حوزه را بر نمی‌تابد.

---

۱. این راهبرد ناظر به ماده (۱) سیاست‌های کلی سلامت است: ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی، بهداشتی، درمانی و توانبخشی سلامت مبتنی بر اصول و ارزش‌های انسانی- اسلامی و نهادینه‌سازی آن در جامعه.

۱-۱- ارتقاء نظام انتخاب، ارزشیابی و تعلیم و تربیت اساتید و دانشجویان و مدیران و تحول در محیط‌های علمی و دانشگاهی متناسب با ارزش‌های اسلامی، اخلاق پزشکی و آداب حرفه‌ای.

۱-۲- آگاه‌سازی مردم از حقوق و مسؤولیت‌های اجتماعی خود و استفاده از ظرفیت محیط‌های ارائه مراقبت‌های سلامت برای رشد معنویت و اخلاق اسلامی در جامعه.

۲. تقریباً این دیدگاه با آنچه امروزه در دنیا نسبت به لزوم رایگان بودن خدمات آموزش عمومی و بهداشت و درمان مطرح است، منطبق است.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

می‌توان از «گستره دامنه حفظ و ارتقای سلامت و نیازمندی‌های ضروری جامعه» به عنوان نمونه راهبرد برگرفته از این اصل تعبیر کرد[1]. به منظور حرکت در راستای تأمین نیازمندی‌های ضروری حوزه سلامت در جمهوری اسلامی ایران و اجرای عدالت در تمامی عرصه‌ها؛ به عنوان نمونه اقدامات زیر در دستور کار مسئولان قرار گیرد:

- سرمایه‌گذاری در امر آموزش و افزایش عرضه خدمات بهداشت و درمان به ویژه تربیت پزشکان متخصص و متعهد؛
- ایجاد، اصلاح و تکمیل بانک جامع اطلاعات بهداشتی و درمانی آحاد جامعه؛
- تدوین شاخص‌های عدالت در حوزه سلامت برپایه مبانی اسلامی و پایش آن در ارائه خدمات؛
- تدبیر و برنامه‌ریزی، نظارت و دیدبانی نظام سلامت به ویژه در امر تغذیه و پیشگیری؛
- توسعه آگاهی خانواده‌ها به ویژه زنان نسبت به نیازمندی‌های حوزه سلامت و توسعه هدفمند آموزش تغذیه در آموزش عمومی، رسانه ملی و ...؛

اجرای اقدامات پنج گانه فوق؛ افزایش عرضه و گستره دامنه تأمین خدمات بهداشت درمان و آموزش پزشکی، تعدیل قیمت به نفع مصرف‌کنندگان این نوع کالاها و خدمات و سرانجام تأمین فراگیر نیازمندی‌های جامعه در حوزه سلامت را به دنبال خواهد داشت.

اصل لزوم توزیع برابر فرصت‌ها و عدالت

برای دستیابی به ملاک و مناط عدالت در حوزه آموزش و ارائه خدمات و کالاهای پزشکی یک راه حرکت از طریق علل پیدایش عدالت در جامعه و ارائه معیارهای پیشینی عدالت و شیوه دیگر، از طریق نتایج و پیامدهای اجرای عدالت است.

برابری فرصت، استحقاق و توازن، می‌توانند معیارهایی برای ارزیابی عدالت در جامعه به مثابه کل باشند. برای سنجش این معیارها می‌توان شاخص‌ها و نماگرهایی طراحی کرد. در حوزه آموزش و تحقیقات پزشکی و به کارگیری و ارائه خدمات، معیار برابری، برابری افراد دارای استحقاق برابر، شاخص سنجش عدالت نیز هست (ر.ک. رجایی ۱۳۸۹۴، ص)

بنابراین، «اجرای عدالت در تمامی زمینه‌ها و بخش‌های مختلف نظام سلامت» می‌تواند راهبرد اساسی برگرفته از این اصل باشد. براساس این راهبرد، هر نوع جعل امتیاز برای پذیرش در راستای آموزش یا ارائه خدمت که در راستای مصالح ملی نباشد با شاخص برابری ناسازگار و بر خلاف عدالت است. شاخص‌های: «امید به زندگی» و «تطابق هزینه‌های سلامت با سطح درآمد عمومی» از شاخص‌های پسینی عدالت در حوزه آموزش و ارائه خدمات پزشکی است.

اصل کارآیی؛ استفاده بهینه از امکانات و عدم اسراف

با پذیرش مبنای منبع فیض بودن خداوند متعال در همه امور، مالک حقیقی او بر همه هستی و جانشینی انسان و این که امکانات زمین برای جامعه به مثابه کل خلق شده، در این نظام، همه انسان‌ها در بهره مندی از نظام سلامت برابر و دولت و آحاد جامعه نسبت به سلامت آن‌ها مسئولند. اموال و امکانات امانت الهی نزد انسان‌هاست و باید در استفاده بهینه و مراقبت از آن بکوشند. برای تحقق بخشیدن اصل فوق، می‌توان اقداماتی در راستای دو راهبرد: «تربیت توحیدی» و «بهره‌مندی از روش‌های اخلاقی و سبک زندگی پیشگیرانه سلامت» طراحی و اجرا کرد.

اهداف

- قرار گرفتن سلامت جسم در مسیر سلامت روح و قلب سلیم؛
- ارتقای هم‌زمان سطح تخصص و تعهد نیروی انسانی در حوزه سلامت و تربیت حکیم؛
- عدالت توزیعی و پوشش مجموعه مناطق جغرافیایی کشور نسبت به پیشگیری و تأمین نیازمندی‌های ضروری حوزه سلامت؛
- ارتقای شاخص‌های سلامت، با توجه به جامعیت سلامت؛
- افزایش شاخص امید به زندگی همراه با کرامت انسانی؛
- مرجعیت علمی در علوم، فنون و ارائه خدمات حوزه سلامت و تبدیل ایران به قطب پزشکی منطقه آسیای جنوب غربی و جهان اسلام.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مبانی اسلامی حوزه سلامت، هسته اصلی، بنیان ارزشی و گزاره‌های خبری زیربناییِ مورد قبول اسلام هستند که در علوم دیگر اثبات می‌شوند و در بررسی مسائل حوزه سلامت مورد استفاده قرار می‌گیرند.

مرجعیت در بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، یعنی قرارگرفتن در موضع الهام‌بخشی در جهان و اقتدار علمی؛ به‌گونه‌ای که بتوانیم در تولید و ارائه کالاها و خدمات بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مورد نیاز جامعه آنچنان موفق عمل کنیم که سایر کشورها از نظریه‌های علمی، دانش فنی و سرریز خدمات داخل به خارج بهره‌مند شوند و افزون بر نشر فرهنگ ایرانی، اسلامی و ارتقای سطح عزت و اقتدار کشور، جامعه از منافع اقتصادی آن نیز برخوردار شود.

---

۱. این راهبرد ناظر به ماده (۶ و ۱۳) سیاست‌های کلی نظام سلامت است:

۶ ـ تأمین امنیت غذایی و بهره‌مندی عادلانه آحاد مردم از سبد غذایی سالم، مطلوب و کافی، آب و هوای پاک، امکانات ورزشی همگانی و فرآورده‌های بهداشتی ایمن همراه با رعایت استانداردهای ملی و معیارهای منطقه‌ای و جهانی.

۱۳ـ توسعه کیفی و کمی نظام آموزش علوم پزشکی به صورت هدفمند، سلامت محور، مبتنی بر نیازهای جامعه، پاسخگو و عادلانه و با تربیت نیروی انسانی کارآمد، متعهد به اخلاق اسلامی حرفه‌ای و دارای مهارت و شایستگی‌های متناسب با نیازهای مناطق مختلف کشور.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

روش کشف مبانی و اصول، روش اجتهادی و از ابزار عقـل، نقـل و در پاراه‌ای موارد تجربه استفاده شده است.

دو سـاحتی بـودن انسـان و اصـالت روح؛ فراگیـری ابزارهـای شناخت؛ منبع فیض بودن خداوند متعال؛ آرامش و سلامت جامع در پرتو عمل به دین؛ جامعیت دین؛ تربیت‌پذیری و شکوفاسـازی فطرت انسانی؛ همسازی گزاره‌های یقینی علم با گزاره‌های یقینی دین؛ اثربخشی عوامل معنوی؛ مبانی سند مرجعیت حوزه سلامت را تشکیل می‌دهند.

برپایه مبانی فوق می‌توان اصول زیر را برای کشف اهداف و رسیدن به راهبردهای مبتنی بر مبانی استخراج کـرد: اصـل: محوربخشـی توحیـد و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی با راهبردهای از قبیل: «تربیت توحیدی»؛ اصل جامعیت سلامت (سلامت روح، روان و جسـم)؛ اصـل کمـال‌پـذیری انسان و پایان ناپذیری کمال؛ اصل ضروری بودن کالاها و خدمات مربـوط به حوزه سلامت؛ اصل لزوم توزیع برابر فرصت‌ها و عدالت؛ اصـل کـارآیی؛ استفاده بهینه از امکانات و عدم اسراف.

برپایه مبانی و اصول فوق می‌توان اهـداف زیـر را از مرجعیـت حـوزه سلامت دنبال کرد: قرار گرفتن سـلامت جسـم در مسـیر سـلامت روح و قلب سلیم؛ ارتقای هم‌زمان سطح تخصص و تعهد نیروی انسانی در حـوزه سلامت و تربیت حکیم؛ عـدالت و پوشـش مجموعـه منـاطق جغرافیـایی کشور نسبت به پیشگیری و تأمین نیازمندی‌های درمانی ضروری؛ ارتقـای شاخص‌های سلامت، با توجه به جامعیت سلامت؛ افزایش شاخص امید به زندگی همراه با کرامت انسانی؛ مرجعیـت علمـی در علـوم، فنـون و ارائـه خدمات پزشکی و تبدیل ایران به قطب پزشـکی منطقـه آسـیای جنـوب غربی و جهان اسلام.

Basics, Principles and Objectives of the Healthcare Authority's Certificate

S. Mohammad Kazem Rajaei[1]

Abstract

Background: In a reference document, fundamentals are the core values, principles and criteria are the main indicators, and goals are the basic strategies. The Islamic foundations of this field are the underlying accepted Islamic propositions that are used to investigate health issues.

Scientific authority in health, based on Islamic values and principles, is discussed in this paper

Methods: The ijtihadic method, using resources of the “reason” , “narration” and sometimes “experiences” was used.

Results: Some of the main Fundamentals are as below:

Integrative nature of the human, Originality of the soul, learning cognitive tools, God’s Source of Grace, peace and comprehensive health in the light of religion, Comprehensiveness of the religion, educability and flourishing of human nature, synchronization of science and Religion’s certain declarations, and effectiveness of the spiritual mediators.

Some of the main principles are as below:

The centralization of monotheism, the institutionalization of moral values, integrity nature of the health (physical & biological, mental, physical, social and spiritual), necessity of the health services and merchandises, Health justice and equal distribution of opportunities, effectiveness and optimal use of facilities, and no extravagance

Conclusion: Considering the above fundamentals and principles, the following could be among the goals of the Scientific Authority in Health era:

Continuous improvement of the health indicators, Coordination of Physical , spiritual, social, and mental health, justice in health care, including distributive justice of all geographical areas, promoting the health indicators including life expectancy with human dignity and finally Converting the IR of Iran to the medical extreme of the Southwest Asia and the Islamic World.

Keywords: Foundations, Goals, Health Status, Indicators and Reagents

1. Associat Professor of the Imam Khomeini, Institute of Education and Research.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

منابع

1. Ibn Babuyeh M. Rewards and punishments. Tehran: Armaghan Toubi; 2003.
2. Charter of the Islamic Republic of Iran, Qadr Social Economic Applied Research Center. Qom: Al-Mustafa International Research Institute; 2012.
3. Javadi Amoli A. Epistemology in the Qur'an. Qom: Isra; 2000.
4. Ragheb Esfahani H. Vocabulary words of the Qur'an. Beirut: Dar al-Shamiya; 1992.
5. Tabatabayi SM. Shia in Islam. Qom: Bostan Kitab; 2009.
6. Abbasi M. An income on spiritual health. Tehran: Legal Publications; 2012.
7. Majlesi MB. Bahar Al-Anwar Beirut: The Revival of the Arab Tradition; 1982.
8. Faiz Kashani. Muhjah al-Bayda. Qom: Society of Teachers; 1996.
9. Misbah Yazdi MT. Towards self-improvement. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA); 2003.
10. 10. Misbah Yazdi MT. The teachings of the Qur'an. Qom: Imam Khomeini Educational Research Institute; 2001.
11. Misbah M. Spiritual health from the perspective of Islam. Tehran: Legal Publications; 2012.
12. Moadeb SR. Basics of interpretation of the Qur'an. Qom: Qom University; 2007.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]